

واکاوی مفهومی کلیدواژگان چند معنا در قانون اساسی

عنوان پژوهش

مدخل «امت»

شماره مسلسل: ۱۳۹۵۰۰۱۵

تاریخ: ۱۳۹۵/۰۴/۰۵



شناسنامه

عنوان:

واکاوی مفهومی کلیدواژگان چندمعنا در قانون اساسی
مدخل «امت»

مؤلف:

حامد نیکونهاد

دفتر مطالعات قانون و قانون گذاری

شماره مسلسل: ۱۳۹۵۰۰۱۵

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۰۴/۰۵

پژوهشکده شورای نگهبان



فهرست مطالب

۲	مقدمه
۴	۱- امت در اندیشه اسلامی
۴	۱-۱. امت در لغت
۵	۲-۱. امت در قرآن
۸	۳-۱. امت در احادیث و روایات
۸	۱-۳-۱. امت به معنای گروندگان به اسلام و نبی تا پایان تاریخ
۱۰	۲-۳-۱. امت به معنای امامان معصوم و حجج الله؛ پیشوای عادل و نمونه..
۱۰	۳-۳-۱. امت به معنای جمعیت و مطلق گروه‌های انسانی و اقوام
۱۱	۴-۱. امت از دیدگاه اندیشمندان اسلامی
۱۶	۵-۱. عناصر تشکیل‌دهنده امت
۱۷	۶-۱. طیف جمعیتی امت
۲۰	۲- مفهوم و طیف امت در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲۱	۱-۲. امت در اندیشه قانونگذار اساسی
۲۳	۲-۲. امت در مقدمه قانون اساسی
۲۵	۳-۲. امت در اصول قانون اساسی
۲۷	فرجام
۲۹	منابع و مأخذ

مقدمه

طیف جمعیتی دولت‌ها در نظام‌های سیاسی امروزی، معمولاً با عنوان «ملت» یا «مردم» شناخته می‌شود. ملت، در رویکردی حقوقی و سیاسی آن گروه انسانی است که اعضای آن در اثر عوامل پیونددهنده‌ی مادی و معنوی به یکدیگر وابسته شوند و نسبت به جماعت احساس تعلق کنند و سرنوشت خود را با سایر اعضا یکی بدانند.^(۱) ملت نمایانگر بعد انسانی جامعه سیاسی و عنصر جمعیتی دولت‌های مدرن است و رابطه تنگاتنگی با مقوله تابعیت دارد. از این رو محور بحث در بعد جمعیتی در حقوق اساسی کنونی همانا ملت است.

اما در ادبیات دینی و به‌ویژه در اندیشه سیاسی اسلامی برای اشاره به مجتمع اسلامی از اصطلاح «ملت» استفاده نشده است و با وجود کاربرد ملت در متون دینی^(۲) به معنای دین و آیین، اما هیچ‌گاه برای اشاره به جامعه اسلامی، واژه «ملت» به کار نرفته است.^(۳) در مقابل برای اشاره به مسلمانان، یعنی باورمندان به دین اسلام، به عنوان اعضای تشکیل‌دهنده جامعه اسلامی، واژه «امت» جعل شده است. بدین ترتیب یکی از کلیدواژگان پرکاربرد در اندیشه سیاسی اسلامی دانشواژه امت است. این دانشواژه به صورت پرشماری در منابع دینی همچون قرآن کریم و روایات رسیده از پیشوایان معصوم سلام‌الله‌علیهم‌الجمعین به کار رفته است و در حوزه اندیشه سیاسی در کنار مفهوم امامت مطرح شده است.

از سوی دیگر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مثابه بنیادی‌ترین سند مدونی

۱- قاضی شریعت‌پناهی، سیدابوالفضل (۱۳۸۳)، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: میزان، چاپ پانزدهم، ص ۵۷
 ۲- به عنوان نمونه در آیات زیر این واژه به معنای دین و مسلک به کار رفته است: بقره: ۱۳۵ (وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةٌ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ)، آل عمران: ۹۵ (قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ)، نساء: ۱۲۵ (وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا)، انعام: ۱۶۱ (قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ)، يوسف: ۳۷-۳۸ (...إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ...)، نحل: ۱۲۳ (ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ)، حج: ۷۸ (وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ...)

۳- نک به مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، مجموعه آثار، تهران: صدرا، ج ۱۴: صص ۵۹-۶۰

که رابطه سیاسی میان مردم ایران و طبقه حاکم را ترسیم می‌کند، از این واژه بارها استفاده شده است. این کاربرد را می‌توان، علاوه بر مقدمه قانون اساسی، در اصول ۵، ۱۱، ۵۷، ۱۰۹ و ۱۷۷ مشاهده نمود. با توجه به اینکه نظام جمهوری اسلامی بر مبنای آموزه‌های اندیشه اسلامی پایه‌گذاری شده است و از این تعالیم تغذیه می‌کند و در جای‌جای قانون اساسی بر این مهم تصریح شده است،^(۱) به نظر می‌رسد واژه امت در قانون اساسی، همان درونمایه اسلامی را داشته باشد. با این حال، وجود واژگانی همچون «ملت» یا «مردم ایران» برای اشاره به جامعه ایران، که بالطبع و بالتبع دارای اقتضائات خاصی در اندیشه حقوق اساسی است، این تردید را پدید آورده که امت در منظومه قانون اساسی دقیقاً دارای چه معنایی است و کدام دسته از مردمان را دربرمی‌گیرد؟ پرسش مهمی که مطرح است آنکه مفهوم این واژه در قانون اساسی چه نسبتی با معنای آن در اندیشه اسلامی دارد و امت شامل چه طیف از گروه‌های انسانی در جامعه می‌شود؟ آیا امت در همه کاربردها منطبق بر همان معنای مألوف در اندیشه دینی است یا دربردارنده معنای متمایزی است؟

اهمیت یافتن پاسخ واضح به این پرسش‌ها، روشن به نظر می‌رسد. علاوه بر اهمیتی که دانستن کلیدواژگان قانون اساسی به طور کلی دارند، شناخت صحیح این دانش‌واژه تأثیر مستقیمی در شناخت جامعه سیاسی زیربنای حقوق اساسی ایران دارد؛ چراکه حقوق اساسی بر مدار جامعه سیاسی می‌چرخد و اساساً در بستر جامعه سیاسی، حقوق اساسی شکل می‌گیرد و حقوق اساسی^(۲) درصدد تمشیت جامعه سیاسی با اصول حقوقی است.^(۳) از این رو باید جامعه سیاسی را شناخت تا بتوان حقوق اساسی متناظر با آن و مؤلفه‌های آن را به خوبی شناخت و ارزیابی نمود. البته توجه به این نکته ضروری است که موضوع این نوشتار با توجه به پرسش محوری آن، تبیین نسبت میان امت و ملت در قانون اساسی و یا اندیشه اسلامی و چالش‌های پیش‌روی آن نیست؛ بلکه مراد، واکاوی مفهوم و طیف امت است. در حقیقت گزینش معنای مناسب برای این واژه در منظومه حقوق اساسی ایران به‌جد مؤثر است. فهم صحیح از نظم

۱- به عنوان نمونه نک به اصول ۱ و ۲ قانون اساسی

۲. constitutional law

۳- برای مشاهده تعریف و اوصاف جامعه سیاسی نک: قاضی شریعت پناهی، سیدابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: میزان، چاپ دوازدهم: ۱۳۸۳، صص ۲۷۳-۲۷۵

حقوق اساسی جمهوری اسلامی در گروه درک صحیح مؤلفه‌های جامعه سیاسی است و این خود، در گرو شناخت دقیق مفهوم امت است.

تتبع نگارنده حاکی از آن است که در مورد گستره و مفهوم کلیدواژه امت در حقوق اساسی ایران بحث جداگانه‌ای صورت نگرفته است؛^(۱) اگرچه در ادبیات دینی و آرای اندیشمندان اسلامی در این خصوص بحث شده است که در قسمت نخست نوشتار، با بیانی متفاوت به طرح و بررسی آنها پرداخته می‌شود.

ناگزیر در این راستا به شیوه توصیفی و تحلیلی، نخست با کاوش در منابع اصیل دینی مفهوم امت و طیف آن، آنگونه که در منابع یادشده بازتاب یافته، بازشناسی می‌شود. سپس با کنکاش در قانون اساسی و سایر منابع حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران سعی می‌شود معنای دقیقی برای واژه «امت» ارائه گردد تا از این رهگذر، روشن شود چه نسبتی میان کاربرد این واژه در قانون اساسی و متون اسلامی قابل تصویر است و آیا مفهوم امت با همان درون‌مایه مأنوس و مألوف اسلامی خود وارد ادبیات قانون اساسی شده است و یا آنکه کاربردهای متفاوتی داشته است.

۱- امت در اندیشه اسلامی

امت، اصطلاحی است که ریشه در ادبیات دینی دارد. برای آشنایی شایسته با این اصطلاح در منظومه اندیشه اسلامی لازم است پس از اشاره به معانی لغوی، با غور در منابع اندیشه اسلامی و آرای اندیشمندان، ابعاد این دانش‌واژه را بکاویم.

۱-۱. امت در لغت

«امت»، از ریشه «أَمَّ» به معنای قصد و آهنگ کردن و روانه شدن گرفته شده است.^(۲) در تعریف «امت» که جمع آن «أُمَم» است، گفته شده امت هر جماعت و گروهی است

۱- اگرچه مقاله‌ای با عنوان امت و ملت نگاهی دوباره از سوی آقای دکتر حسین جوان آراسته نگارش یافته (حکومت اسلامی، سال پنجم، تابستان ۱۳۷۹ ش دوم (پیاپی ۱۶)، صص ۱۵۸-۱۷۳) اما دل‌مشغولی اصلی آن مقاله، مقایسه اجمالی میان امت و ملت و تبیین نسبت میان منافع ملی و مصالح امت اسلامی بوده است.

۲- صاحب بن عباد و اسماعیل بن عباد، کافی الکفاه، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الکتاب، چاپ اول: ۱۴۱۴ق، ج ۱۰: ص ۴۶۱؛ قرشی، سیدعلی‌اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ ششم: ۱۴۱۲ق، ج ۱: ص ۱۱۸

که امری آنها را گرد هم آورد؛ خواه دین واحد، زمان واحد یا مکان یکسان باشد؛ خواه این امر جمع‌کننده و گردآورنده از روی اختیار بوده باشد یا نباشد.^(۱) در تعریفی دیگر امت، جماعتی خوانده شده که وجه مشترکی، به عنوان نمونه در قصد یا نظر، دارند.^(۲) افزون بر این گفته شده امت، گروهی از مردم هستند که اکثریتشان از اصل و منشأ واحدی بوده و صفات موروثی، منافع و آرزوهای یکسان آنها را گرد هم آورده یا آنکه امر واحدی مانند دین یا زمان یا مکان آنها را جمع کرده باشد.^(۳) برخی نیز امت را به ملت (آیین) و آن کسانی که در برابر ملت کفر، به اسلام منتسب هستند تعبیر نموده‌اند.^(۴) از مجموع این تعاریف چنین حاصل می‌شود که امت، آن گروه به‌هم‌پیوسته‌ای است که بر محور یک وجه مشترک گرد یکدیگر آمده و قصد واحدی دارند. به تعبیر دیگر، امت به مردم و جامعه‌ای گفته می‌شود که نه تنها دارای فرهنگ است، بلکه آهنگ نیز دارد. فرهنگ داشتن، مقدمه آهنگ داشتن است و آهنگ به معنای قصد و عزم و تصمیم و اراده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۲۸۴)

۲-۱. امت در قرآن

در قرآن کریم واژه امت به صورت مفرد یا جمع مجموعاً ۶۴ بار به کار رفته است.^(۵) ولی در همه این موارد، یک معنا از آن مراد نشده است. در برخی موارد به معنای کل موجودات مسئول در خلقت (انسان و جن)، در برخی موارد به عنوان مطلق گروه‌های انسانی و اقوام و قبایل، گاه بخشی از جامعه اسلامی و گاه، کل جامعه اسلامی مدنظر بوده است.

۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان - سوریه: دارالعلم - الدارالشامیه، چاپ اول: ۱۴۱۲ق، ص ۸۵

۲- قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ ششم: ۱۴۱۲ق، ج ۱: ص ۱۱۸

۳- سعدی، ابوجیب، القاموس الفقہی لغة و اصطلاحا، دمشق: دارالفکر، چاپ دوم: ۱۴۰۸ق، ص ۲۵

۴- عاملی، یاسین عیسی، الاصطلاحات الفقہیة فی الرسائل العملیة، بیروت: دارالبلاغه للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول: ۱۴۱۳ق، ص ۲۳. برای مشاهده سایر معانی به عنوان نمونه نک: حمیری، نشوان بن سعید، (بی‌تا) شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکولوم، دمشق: دارالفکر، چاپ اول، ج ۱: ص ۱۲۱ و مهنا، عبدالله علی (بی‌تا)، لسان اللسان، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ج ۱: ص ۴۴

۵- عبدالباقی، محمدفؤاد (۱۳۹۱)، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، قم: نوید اسلام، چاپ دهم، صص ۱۱۲-۱۱۳

در تفسیر نمونه و به مناسبت آیه ۵۲ از سوره مؤمنون چنین ادعا شده که در تمام مواردی که کلمه «امت» در قرآن مجید به کار رفته، معنی جمعیت و گروه از آن اراده شده، مگر در بعضی از موارد استثنایی مانند آیه ۲۲ سوره زخرف^(۱) که توأم با قرینه خاصی بوده و امت، مجازاً به معنی مذهب به کار رفته است.^(۲)

اما تفلیسی در «وجوه القرآن» معانی متعدد واژه امت در قرآن را به ۹ دسته طبقه‌بندی کرده است^(۳):

۱- امت به معنای «خویشان پدری» (بقره: ۱۲۸؛ آل عمران: ۱۱۳؛ مائده: ۶۶؛ اعراف: ۱۵۹)

۲- امت به معنای «کیش و آیین» (بقره: ۱۱۳؛ یونس: ۱۹؛ مؤمنون ۵۲) که در همگی این موارد یعنی بر آیین اسلام بودند و در مورد آخر، یعنی آیین اسلام به‌تنهایی

۳- امت به معنای «سال‌ها» (هود: ۸)

۴- امت به معنای «هنگام و مدت» (یوسف: ۴۵)

۵- امت به معنای «قوم» (نحل: ۹۲؛ حج: ۳۴)

۶- امت به معنای «پیشوای یگانه در دانش» (نحل: ۱۲۰)

۷- امت به معنای «امت محمد» صلی‌الله‌علیه‌وآله به طور خاص (بقره: ۱۴۳ و آل عمران: ۱۱۰)

۸- امت به معنای «آن کافران که در روزگار پیامبر خاتم بوده‌اند» (رعد: ۳۰)

۹- امت به معنای «خلق» (مخلوقات) (انعام: ۳۸).

علامه طباطبایی به مناسبت آیه ۱۲۸ از سوره بقره^(۴) بحثی در خصوص معنای امت در قرآن، مطرح نموده‌اند. ایشان با استناد به حدیثی از امام صادق علیه‌السلام^(۵)، «امّة مسلمة» در این آیه را بر پیامبر خاتم و ائمه معصوم سلام‌الله‌علیهم‌جمعین صادق دانسته‌اند.^(۶) ایشان برای دفع دخل

۱- «إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهُتَدُونَ»

۲- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ اول، ج ۱۴: ص ۲۵۸

۳- تفلیسی، جیش بن ابراهیم (بی‌تا)، وجوه القرآن، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۱: صص ۲۹-۳۰

۴- «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُّسْلِمَةٌ لَكَ»

۵- عیاشی محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). کتاب التفسیر، تحقیق: سید هاشم رسولی محلات، تهران: چاپخانه علمیه، ج ۱: صص ۶۱-۶۰

۶- طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر

مقدر نسبت به اینکه چرا امت را، برخلاف خطاب‌های عام قرآنی^(۱) و بدون قرینه، بر چنین معنای مضیقی حمل نموده، چنین می‌نویسند که اطلاق کلمه «امت» محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله در مورد عموم مردمی که به دعوت آن جناب ایمان آورده‌اند، اطلاقی است نوظهور و مستحدث، به این معنا که بعد از نازل شدن قرآن و انتشار دعوت اسلام این استعمال شایع شد، به طوری که از هر کسی پرسیده می‌شد «از امت چه کسی هستی؟» می‌گفت: «از امت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله»؛ حال آنکه از نظر لغت کلمه امت به معنای قوم است.^(۲)

البته به زعم ایشان به طور کلی معنای کلمه، از نظر عمومیت و وسعت، و خصوصیت و ضیق، تابع موردی است که لفظ «امت» در آن استعمال می‌شود، یا تابع معنایی است که گوینده از لفظ اراده کرده است. مثلاً در آیه ۱۱۰ سوره آل‌عمران، با در نظر داشتن مقام آن، که مقام مَنّت نهادن و تعظیم و ترفیع شأن امت است، به طور مسلم شامل تمامی امت اسلام نمی‌شود. آنگاه چنین نتیجه می‌گیرند که معنای کلمه امت بر حسب اختلاف موارد، معانی مختلفی دارد.^(۳) ایشان در ذیل آیه ۲۱۳ از سوره بقره^۴ در مقایسه میان ناس و امت می‌گویند: ناس عبارت است از افرادی از انسان که دور هم جمع شده باشند، امت نیز همین معنا را داراست. ولی ایشان با توجه به ریشه لغوی امت معتقدند اگر امت بر جماعت اطلاق شده، بر هر جماعتی اطلاق نشده، بلکه بر جماعتی اطلاق می‌شود که افراد آن دارای یک مقصد و یک هدف باشند، و این مقصد واحد، رابطه واحدی میان افراد باشد و به همین جهت توانسته‌اند این کلمه را بر یک فرد نیز^(۵) اطلاق کنند^(۶). لذا ایشان امت در آیه ۹۲ سوره انبیا^(۷) را به معنای

→

انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم: ۱۳۷۴ ج ۱: ص ۴۴۶

۱- مانند: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» (آل عمران: ۱۱۰)

۲- طباطبائی، پیشین، ج ۱: ص ۴۴۷

۳- همان، صص ۴۴۸-۴۴۷

۴- «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ وَ أَنْزَلَ كِتَابَهُ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ ...»

۵- «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ» (نحل: ۱۲۰)

۶- طباطبائی، پیشین، ج ۲: ص ۱۸۵

۷- «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»

جماعتی می‌دانند که مقصد واحدی آنها را جمع کرده باشد. به بیان ایشان خطاب در آیه شریفه به طوری که سیاق آن گواهی می‌دهد، خطابی است عمومی، که تمامی افراد مکلف بشر را در بر می‌گیرد. و مراد از امت در اینجا نوع انسان است، که معلوم است نوع برای خود وحدتی دارد، و همه انسان‌ها در آن نوع واحدند و آیه را چنین معنا می‌کنند که این نوع انسانی، امت شما بشر است، و این هم واحد است، (همه در انسانیت یکی هستند)، پس امت واحده‌ای هستید و من - الله - پروردگار شما هستم، زیرا مالک و مدبر شمایم، پس تنها مرا، و نه دیگران را، بپرستید.^(۱)

دقت در نکات فوق نشان می‌دهد که نمی‌توان معنای واحدی را برای امت در همه کاربردهای قرآنی آن در نظر گرفت، بلکه در هر مورد بنا به سیاق آیات یا قرینه و دلیل خاص باید معنای متناسبی برای این واژه یافت. البته به نظر می‌رسد آنگاه که امت ناظر و منصرف به مسلمانان است، مراد کل مسلمانان در طول تاریخ و یا گروهی از آنها بوده است.^(۲)

۱-۳-۳. امت در احادیث و روایات

کلیدواژه امت در لسان روایات عمدتاً دال بر جامعه ایمانی مسلمانان آمده است؛ یعنی آن عده‌ای که بر مبنای اشتراک در عقیده گرد یکدیگر آمده و همگی به یگانگی خداوند و پیامبری رسول خاتم شهادت داده‌اند. اما گاه به معنای اخص (امامان معصوم علیهم‌السلام) نیز حمل شده است. البته گاه به صورت مطلق و به معنای هر گروه و جمعیت نیز آمده است.^(۳)

۱-۳-۱. امت به معنای گروندگان به اسلام و نبی تا پایان تاریخ

لفظ امت در احادیث و روایات عمدتاً دال بر اسلام‌آوردندگان و گروندگان به دین مبین اسلام و پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله است؛ یعنی کلیه کسانی که، فارغ از هرگونه عوارض و تعلقات قومی، نژادی، زبانی، جغرافیایی و غیر اینها، در طول تاریخ و عرض جغرافیا

۱- طباطبایی، پیشین، ج ۱۴: ص ۴۵۵

۲- برای مطالعه بیشتر نک احمدی، ظهیر (۱۳۸۸)، «مفهوم شناسی امت در قرآن و اجتماع»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم (پیام جاویدان)، سال اول شماره دوم، صص ۵۵-۶۴

۳- برای مشاهده احادیثی با کاربرد متنوع لفظ امت رک: مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحارالأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، چاپ دوم، ج ۲۲: صص ۴۴۱-۴۵۵، باب ۱۴ «فضائل أمته و ما أخیر بوقوعه فیهم و نوادر أحوالهم»؛ همچنین محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، مترجم حمیدرضا شیخی قم: دارالحديث، ۱۳۸۹، ج ۱: صص ۲۱۴-۲۲۳ ذیل عنوان «امت»

به وحدانیت خدا و نبوت و رسالت حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله شهادت دهند و داخل در اسلام گردند، در زمره امت اسلام قرار می گیرند. بسیاری از این دست روایات از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده اند و امت به شخص ایشان انتساب یافته است. به عنوان نمونه از ایشان نقل شده که بر امت خود، نه از فقر و تنگنای اقتصادی بلکه از سوء تدبیر بیمناک بوده اند^(۱) یا حضرتش، امت خود را امتی مورد رحمت خداوند نامیده اند و آنها را به رفعت جایگاه و بهره مندی و برتری در زمین بشارت دادند.^(۲)

در حدیثی از امام صادق علیه السلام، از جامعه مسلمین در طول تاریخ به «امت محمد» تعبیر شده که خداوند نماز و زکات و روزه و حج و ولایت اهل بیت علیهم السلام را بر آن واجب فرموده است.^(۳) در برخی از کلمات رسول اکرم صلی الله علیه و آله که جماعت مسلمانان با عنوان امت به ایشان نسبت داده شده اند، اوصاف متعددی برای بهترین افراد در میان امت («خیر امتی») بر شمرده شده است که همگی دال بر جامعه ایمانی مسلمانان است.^(۴) در تعبیر دیگری از ایشان ناظر به امت خود چنین نقل شده است که چنانچه امت یا جامعه اسلامی دنیاگرا شوند، هیبت اسلام از آنان ستانده می شود و چنانچه امر به معروف

۱- «مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْفَقْرَ وَ لَكِنْ أَخَافُ عَلَيْهِمْ سُوءَ التَّدْبِيرِ»، ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللتالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، قم: دار سیدالشهداء للنشر، چاپ اول: ۱۴۰۵ق، ج: ۴، ص: ۳۹

۲- «إِنَّ أُمَّتِي أُمَّةٌ مَرْحُومَةٌ» قضاعی، محمد بن سلامه، شرح فارسی شهاب الأخبار، مصحح: جلال الدین حسینی أرموی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول: ۱۳۶۱، ص: ۳۵۶، رسول الله صلی الله علیه و آله قَالَ: «بُشِّرْ هَذِهِ الْأُمَّةَ بِالسَّائِئِ وَالرَّفْعَةِ وَالنُّصْرَةِ وَ التَّمَكُّينِ فِي الْأَرْضِ»، طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران: اسلامیة، چاپ سوم: ۱۳۹۰ق، ص: ۳۱

۳- «...إِنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَى أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ خَمْسَ فَرَائِضَ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّيَامِ وَ الْحَجِّ وَ وَلَايَتَنَا...» عاملی، محمد بن حسن شیخ حر (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، چاپ اول، ج: ۱، ص: ۱۶

۴- به عنوان نمونه ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، قم: مکتبه فقیه، چاپ اول: ۱۴۱۰ق، ج: ۲، ص: ۱۲۳: «خَيْرُ أُمَّتِي أَرْهَدُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ أَرْغَبُهُمْ فِي الْآخِرَةِ ... خَيْرُ أُمَّتِي فِيمَا نَبَّأَنِي الْمَلَأُ الْأَعْلَى قَوْمٌ يَسْتَبْشِرُونَ جَهَنَّمَ مِنْ سَعَةِ رَحْمَةِ رَبِّهِمْ وَ يَبْكُونَ سِرًّا مِنْ الْيَمِّ عَقُوبَتِهِ خَيْرُ الْمُسْلِمِينَ مَنْ كَثُرَتْ فَنَاعَتُهُ وَ حَسُنَتْ عِبَادَتُهُ وَ كَانَ هَمُّهُ لِآخِرَتِهِ ... خَيْرُ أُمَّتِي مَنْ هَدَمَ شَبَابَتَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَ قَطَمَ نَفْسَهُ عَنْ لَذَاتِ الدُّنْيَا وَ تَوَلَّى بِالْآخِرَةِ إِنَّ جَزَاءَهُ عَلَى اللَّهِ أَعْلَى مَرَاتِبِ الْجَنَّةِ ... خَيْرُ أُمَّتِي الَّذِينَ لَمْ يَوْسَعْ عَلَيْهِمْ حَتَّى يَطْبُرُوا وَ لَمْ يَضَيِّقْ عَلَيْهِمْ حَتَّى يَسْأَلُوا خَيْرُ أُمَّتِي مَنْ إِذَا سَفَّهَ عَلَيْهِمْ اخْتَمَلُوا وَ إِذَا جَنَى عَلَيْهِمْ غَفَرُوا وَ إِذَا أَوْذُوا صَبَرُوا ...» ؛ همچنین نک: ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، پیشین، ج: ۲، ص: ۱۴۱ ؛

شیخ حر عاملی، پیشین، ج: ۹، ص: ۲۵ و ج: ۱۵، ص: ۲۵۴ ؛ ورام بن ابی فراس، پیشین، ج: ۱، ص: ۸۴

و نهی از منکر را رها سازند، به ذلت گناهان دچار خواهند گردید.^(۱)

۱-۳-۲. امت به معنای امامان معصوم و حجج الله؛ پیشوای عادل و نمونه

علاوه بر معنای رایج و گسترده امت به معنای جامعه مسلمانان، در برخی از روایات، به ویژه با نوعی تفسیر و تأویل آیات قرآن، امت بر امامان معصوم علیهم السلام منطبق شده است؛ یعنی «امت» بر طیف خاصی از امت، که برگزیدگان و بهترین امت و پیشوای آنان و مثل اعلای تجلی مکتب هستند، حمل شده است.

امام باقر علیه السلام «امت وسط» در آیه ۱۴۳ سوره بقره^(۲) را به «امت عدل» معنا نموده و آن را بر امامان معصوم علیهم السلام تطبیق داده‌اند که به عنوان گواه بر مردم در روز قیامت باشند.^(۳) و در تبیین آنکه امت در این آیه قابل تطبیق بر همه گروندگان به اسلام نیست، تصریح فرموده‌اند که در میان امت کسانی هستند که شهادتشان در دنیا پذیرفته نیست و لذا استشهاد آنها از سوی خدا در سرای آخرت جایز نیست.^(۴) امام صادق علیه السلام نیز در پاسخ به پرسشی در مورد آیه یادشده، فرمودند که ما (امامان معصوم و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله امت وسطی و گواه بر مردم و حجت‌های خداوند در زمین هستیم).^(۵)

۱-۳-۳. امت به معنای جمعیت و مطلق گروه‌های انسانی و اقوام

در برخی از روایات امت در کاربردی نزدیک به معنای لغوی آن یعنی گروه و جامعه انسانی به کار رفته است به نحوی که شامل هر جمعیتی با هر اعتقاد و رویکردی می‌شود و تنها دلالت بر نوعی انسجام اجتماعی دارد. به عنوان مثال امام علی علیه السلام، هر امت و جامعه‌ای را دارای آفتی دانسته‌اند و بنی‌امیه را آفت امت اسلامی معرفی نموده‌اند.^(۶) امام

۱- عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «إِذَا عَظَّمْتَ أُمَّتِي أَمَرَ الدُّنْيَا نَزَعَ مِنْهَا هَيْبَةُ الْإِسْلَامِ وَإِذَا تَرَكْتَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ لَحِقَتْهَا ذِلَّةُ الْمَعَاصِي» ورام بن ابی فراس، پیشین، ج ۲: ص ۲۴۳

۲- «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...»

۳- مجلسی، پیشین، ج ۲۳: ص ۳۴۲

۴- همان، ج ۲۳: ص ۳۵۱

۵- «... نَحْنُ الْأُمَّةُ الْوَسْطَى وَنَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَحُجَجُهُ فِي أَرْضِهِ» کلینی، الکافی، ج ۱: ص ۱۹۰؛ عن ابی بصیر قال: سمعت أبا جعفر يقول نحن نمط الحجاز فقلت: و ما نمط الحجاز قال: أوسط الأنماط إن الله يقول: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» قال: ثم قال: إلينا يرجع الغالی و بنا يلحق المقصر. عیاشی، پیشین، ج ۱: ص ۶۳

۶- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، قم: جامعه

رضا به نقل از رسول خدا علیه‌السلام فرمودند که هر امتی، صدیق و فاروقی^(۱) دارد و صدیق و فاروق امت پیامبر، علی بن ابی طالب علیه‌السلام است.^(۲)

از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که هر زمان و هر امت، امامی دارد، و هر امت با امام خود برانگیخته می‌شود.^(۳) این بیان علاوه بر تلازم امت و امام و رابطه تضافی آنها، حکایت از کاربرد معنای مطلق امت دارد. در روایت دیگری از امام صادق علیه‌السلام منقول است که هر جامعه و ملتی برای خود ازدواجی دارند که به وسیله آن از زنا جلوگیری و دوری می‌کنند.^(۴)

نظر به مراتب سه گانه فوق به نظر می‌رسد امت در احادیث و روایات، آنگاه که در مورد اجتماع انسان‌ها به کار رفته، یا در معنای مطلق جوامع و ملت‌ها بوده که دارای نوعی انسجام و به هم پیوستگی باشند؛ و یا در معنای پیروان حضرت رسول خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله از ابتدای بعثت در امتداد تاریخ است. از این رو هر آنکه به وحدانیت خدا و رسالت رسول خاتم شهادت دهد و ملتزم به دین مبین اسلام شود، در دایره امت به مفهوم اخیر قرار می‌گیرد و بی تردید کسانی که به اسلام نگرویده‌اند، در شمار امت اسلامی قرار ندارند.

۱-۴. امت از دیدگاه اندیشمندان اسلامی^(۵)

در گفتمان شیعه، از نظر دین اسلام عاملی که به وسیله آن امت ساخته می‌شود، ایمان و

→

مدرسین، ج ۲، چاپ اول: ۱۴۰۹ق، ج ۲: ص ۵۲۸

۱- الفاروق: ما فَرَّقَ بَيْنَ شَيْئَيْنِ رَجُلٍ فَارُوقٌ: يَفَرِّقُ مَا بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ. ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰: ص ۳۰۳ و واسطی، زبیدی، حنفی، محب‌الدین، سیدمحمد مرتضی حسینی، تاج‌العروس من

جواهرالقاموس، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳: ص ۳۹۲

۲- «لِكُلِّ أُمَّةٍ صِدِّيقٌ وَ فَارُوقٌ وَ صِدِّيقُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ فَارُوقُهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع» ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، تهران: نشر جهان، چاپ اول: ۱۳۷۸ق، ج ۲: ص ۱۳

۳- «لِكُلِّ زَمَانٍ وَ أُمَّةٍ أَمَامٌ، تَبَعَتْ كُلُّ أُمَّةٍ مَعَ إِمَامِهَا» مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷: ص ۳۰۸

۴- «... أَنْ لِكُلِّ أُمَّةٍ نِكَاحًا ... وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى إِنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ نِكَاحًا يَخْتَجِرُونَ بِهِ مِنَ الزَّوْءِ» کلینی، پیشین، ج ۲: ص ۳۲۴؛ کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران:

کتاب‌فروشی علمیه اسلامی، چاپ اول: ۱۳۶۹، ج ۴: صص ۱۵-۱۶

۵- برای تعریف امت در گفتمان اهل سنت، به عنوان نمونه نک: بغدادی، عبدالقاهر (۱۴۰۸ق)، الفرق بین الفرق و بیان الفرقۃ الناجیه منهم، بیروت: دارالجلیل - دار الآفاق، صص ۸-۱۰ و ۲۲۱ و سمیع دغیم، (۱۹۹۸م) موسوعه مصطلحات علم الکلام الإسلامی، بیروت: مکتبه لبنان ناشرین، چاپ اول، ج ۱: صص ۲۱۹-۲۲۰

عقیده است. جامعه انسانی که همه افراد آن ایمان و عقیده واحدی دارند، می‌توانند بر اساس یک اعتقاد و تعهد به یک مکتب زندگی کنند و بر چنین اجتماعی شایسته است که عنوان «امت» اطلاق شود و اگر چنین هماهنگی در اعتقاد در میان افراد آن نباشد، عنوان امت بر چنین جامعه‌ای صادق نیست. مبنای این دیدگاه بر این اندیشه استوار است که یگانگی افراد و تحقق امت واحد، وابسته به این است که افراد در انتخاب شرکای زندگی خود آزاد باشند و این در صورتی امکان‌پذیر است که افراد با هم توافق فکری داشته باشند، زیرا اتحادی که از اشتراک در خاک و خون و زبان حاصل می‌شود، نمی‌تواند از اختلاف فکری جلوگیری کند. اتحاد و هماهنگی فکری و عقیدتی است که به تنهایی می‌تواند میان افراد پیوند ناگسستنی برقرار سازد.^(۱) مسلمان همواره باید بداند که عضو جامعه اسلامی و جزئی از این کل است و جزء یک کل و عضو یک پیکر بودن، خواه ناخواه شرایط و حدودی را ایجاد می‌کند و غیرمسلمانان عضو یک پیکر دیگرند.^(۲) دین اسلام خواسته است مسلمانان به صورت واحد مستقلی زندگی کنند، نظامی مرتبط و اجتماعی پیوسته داشته باشند، هر فردی خود را عضو یک پیکر یعنی جامعه اسلامی بداند تا جامعه اسلامی قوی و نیرومند گردد و جامعه مسلمانان برتر از دیگران باشد.^(۳) از این رو ایمان، ملاک برتری قرار گرفته است. ایمان ملاک وحدت و رکن شخصیت و تکیه‌گاه استقلال و موتور حرکت جامعه اسلامی است.^(۴) لذا امت اسلامی آن گروهی از مردم هستند که حول محور یکسان عقیدتی که خالق واحد و ایمان به رسولان او و اعتقاد به حرمت انسان و حقوق انسان و اخلاق انسانی است گرد آمده و متحد شده‌اند. در این تعریف، امت اسلامی آن جامعه انسانی است که با جهان‌بینی خاصی متمایز می‌شود و آن، توحید الهی و اعتقاد به پیامبران و پیامبری آنان و به امامت (یعنی رهبری الهی و سیاسی) و به جهان آخرت و به ثواب و عقاب و به قوانین صادره از طریق وحی، و اعتقاد به اینکه انسان منزلتی والا به اندازه خلافت خدا در زمین دارد، است.^(۵)

۱- سبحانی، جعفر (۱۳۷۰) مبانی حکومت اسلامی، قم: موسسه علمی و فرهنگی سیدالشهدا، صص ۳۷۵-۳۷۶

۲- مطهری، پیشین، ج ۳: ص ۲۵۹

۳- وَ لَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۱۳۹)

۴- مطهری، پیشین، ج ۳: ص ۲۶۳

۵- حسینی خامنه‌ای، سیدمحمد (۱۴۲۳ق)، الأبعاد الدولية للحج أطروحة جديدة على ضوء الحقوق والقانون، القسم الاول، مترجم: خالد الغفوري، فقه أهل البيت عليهم السلام (بالعربية)، سال هفتم شماره ۲۸، ص ۳۰۹

برخی بر این باورند که امت در فرهنگ اسلامی دارای دو مفهوم عام و خاص است. بدین صورت که امت در معنای عام مترادف با واژه شعب (ملت) است یعنی مجموعه‌ای از مردم که وطن واحد و مصالح مشترک آنها را گرد یکدیگر می‌آورد و این مصالح از طریق حاکمیت و رهبری سیاسی واحد به تحقق می‌رسند. اما امت به مفهوم خاص، مجموعه‌ای از مردم هستند که ایمان آنها به ارزش‌های مشترکی، که این ارزش‌ها در رهبری واحد و نظام واحد زندگی تبلور یافته‌اند، آنها را گرد یکدیگر آورده است. در این نگاه امت به معنای دوم، همان هدفی است که انبیا به دنبال شکل‌دهی و عینیت بخشیدن به آن بر اساس ارزش‌های عالی بوده‌اند. امت به این معنا در دو امر اساسی از معنای نخست متمایز می‌شود. اول آنکه آن عنصر بشری که عنصر امت (به معنای خاص) از آن، شکل و مایه می‌گیرد جز در انسان واحد متمثل و عیان نمی‌شود؛ انسانی که در او ارزش‌هایی که بدانها معتقد است عینیت یافته و در نتیجه، او «امت» می‌شود. همانطور که در قرآن (نحل: ۱۲۰-۱۲۱) در مورد حضرت ابراهیم علیه‌السلام چنین گفته شده است. در تبلور مفهوم امت، کمیت و تعداد بشر دخیل نیست و نقش اساسی در این معنا به عنصر کیفی اختصاص دارد و این معنا، برخلاف معنای امت به مفهوم عام آن است؛ چرا که در شکل‌گیری مفهوم عام امت، عنصر کمی نقش اساسی دارد. دوم آنکه امامت امت به معنای خاص حالتی حقیقی و واقعی است و امری اعتباری نیست که دائرمدار وضع و اعتبار باشد و از این رو موافق سنت تکوینی تخلف‌ناپذیر الهی جریان می‌یابد و این مخالف مفهوم عام امت است؛ چرا که امامت و رهبری امت (ملت)، نفیاً و اثباتاً حالتی اعتباری است که بر مدار وضع و قرارداد اجتماعی می‌گردد و امت به اعتبار خاصی فردی را برای رهبری امت برمی‌گزیند و خود امت پس از گذشت زمانی فرد دیگری را به رهبری برمی‌گزیند. یکی از امور مهم و دغدغه‌های انبیا، شکل دادن امتی بود که عنصر کیفی آن را تحکیم نماید؛ آنگاه دایره این امت در سطح کمی را توسعه دهند تا تعداد هر چه بیشتری از مردم را دربرگیرد، و یکی از نتایج گسترش کمی امت دارای عنصر کیفی، به وجود آمدن امتی (ملتی) است که در آن معیارهای امت به معنای خاص جلوه‌گر باشد.^(۱)

در این نگاه در واقع، امت کمی که اسلام در پی تحقق آن است، در گرو توسعه

امت کیفی است که همان امام است. یعنی هر فردی که ارزش‌های الهی در او متجلی گردد همچون حضرت ابراهیم علیه‌السلام خود، امت می‌شود و او باید سعی کند امت به معنای عام یا همان شعب و ملت و توده جامعه را ارتقا دهد تا همه به سطح امت کیفی برسند و آن امت کیفی توسعه یافته، امت مدنظر اسلام است.

قدر مسلم آنکه در فرهنگ اسلامی پیوند اساسی و مقدس آحاد مردم (ناس)، بر پایه مواردی همچون اشتراک در خون و نژاد یا خاک و مرزهای جغرافیائی یا تجمع و اشتراک در هر نوع مقصد و آرمان یا همگونی در شکل کار و به‌کارگیری ابزار آن یا تشابه در حیثیت‌های اجتماعی و نوع زندگی یا هم‌سنگری در مبارزه با دشمن مشترک و یا اشتراک در منافع طبقاتی نیست. اساسی‌ترین عامل وحدت و پیوند اجتماعی، حرکت مشترک ناس بر روی خط و راه مشخصی است که آگاهانه در جهت مقصد معینی انتخاب کرده‌اند، و رهبری مشترک، لازمه این نوع وحدت و پیوند اجتماعی است. از این رو، دو واژه امام و امت در تحلیل نهائی دارای دو معنی متلازم و به تعبیر منطقی نسبی و متضایفین هستند.^(۱) بر اساس کتاب و سنت و اصول عقیدتی و عملی برآمده از آنها، تمام مکتب به عامه مردم نظر دارد و در خدمت ناس است؛ ولی در میان عامه مردم، آن کسانی که بر محور این مکتب جمع می‌شوند و شکل می‌گیرند و بر پایه اعتقاد به اسلام و التزام به اسلام، یک مجموعه را پدید می‌آورند، امت نامیده می‌شوند. بنابراین امت، غیر از ناس است و از نظر مکتب اسلام، امت حتماً نیاز به امامت دارد.^(۲) از دیدگاه شهید بهشتی وقتی مردمی بخواهند امت شوند، یعنی جمعی به هم پیوسته و در راه یک مقصد و بر اساس آنچه رسیدن به آن مقصد ایجاب می‌کند، نمی‌توانند بدون امامت، پیشوایی و رهبری کاری انجام دهند. تا امامتی در کار نباشد، اصلاً مردم امت نمی‌شوند و تا امتی در کار نباشد، امامتی تحقق نمی‌یابد.^(۳) در این تعاریف به اندازه‌ای بر پیوند درونی و گریزناپذیر میان امت و امام تأکید می‌شود که بدون امام، امتی پدید نمی‌آید. در

۱- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۴۲۱ق)، فقه سیاسی، تهران: امیرکبیر، ج ۲: ۲۹۳-۲۹۵ و شریعتی،

علی (۱۳۸۲)، امت و امامت، در مجموعه آثار ۲۶ (علی)، تهران: نشر آمون، صص ۶۵۱-۶۵۲

۲- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۰)، مبانی نظری قانون اساسی، تهران: بقیه، چاپ چهارم، صص ۳۹-۴۰

۳- هدایت‌نیاگنجی، فرج‌الله (۱۳۸۲)، اندیشه‌های حقوقی شهید بهشتی، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و

اندیشه معاصر، چاپ اول، ص ۶۱

این رویکرد، آن جماعت متشکل انسانی، هرچند دارای اهداف و آمال مشترک، که از وجود امام بی‌بهره باشند، لایق عنوان «امت» نیستند. در واقع این تعاریف مبین آن هستند که اطاعت سیاسی از امام^(۱)، یکی از عناصر تشکیل‌دهنده امت است^(۲)؛ به ترتیبی که بدون «تحقق اطاعت سیاسی از امام»، امت شکل نمی‌گیرد.

در مقابل همه رویکردهای فوق، برخی با استناد به پیمان‌نامه یا قانون اساسی مدینه (صحیفه النبی)^(۳) که رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در اوان هجرت به یثرب، میان قبائل گوناگون یثرب و اقوام حاضر در آنجا منعقد نمودند، برداشتی «سیاسی»، و نه اعتقادی، از مفهوم امت را مطرح کرده‌اند که فراتر از اشتراکات و تعلقات اعتقادی مسلمانان بوده و بر بنیاد قرارداد اجتماعی استوار است و قبیله‌های یهودی و هم‌پیمانان آنها و حتی مشرکان مشمول صحیفه را دربرمی‌گیرد. به اعتبار این صحیفه، یهودیان و مشرکان مدینه، به رغم اختلاف اعتقادی، داخل در مفهوم امت، دست‌کم در آن مقطع تاریخی، بوده و از برخی حقوق سیاسی و مدنی برخوردار بوده‌اند.^(۴) البته به نظر می‌رسد که کاربرد امت در این سند تاریخی، منطبق بر همان معنای لغوی امت باشد یعنی آن گروه به‌هم‌پیوسته‌ای که بر محور یک وجه مشترک گرد یکدیگر آمده و قصد واحدی دارند. لذا به نظر می‌رسد نتوان مفهومی اصطلاحی برای آن جعل نمود و آن را منتسب به اندیشه دینی دانست.

در جمع‌بندی تعاریف متعددی که از امت بیان شد می‌توان چنین گفت که محور نخستین شکل‌گیری امت اسلامی، جهان‌بینی خاص برآمده از نگرش توحیدی است. باورمندان به چنین جهان‌بینی که اقتضائاتی همچون اعتقاد به نبوت پیامبر خاتم و جهان آخرت دارد، فارغ از هرگونه عوارض و فرعیاتی نظیر رنگ، نژاد، زبان، جنسیت، موقعیت جغرافیایی و اجتماعی و مواردی از این قبیل، در شمار امت اسلامی محسوب می‌شوند. البته این تعریف بر امت «نامتکامل و بالقوه» صادق است. امت متکامل با

۱- نک به: سوره شعرا آیات ۱۰۵-۱۰۸ و ۱۲۳-۱۲۶ و ۱۶۰-۱۶۳

۲- آصفی، محمد مهدی (۱۳۷۸)، وحدت و تعدد در ولایت سیاسی، فقه اهل بیت «پاییز - زمستان ۱۳۷۸» - شماره ۱۹ و ۲۰، ص ۱۹۸

۳- برای مشاهده متن کامل این صحیفه نک: احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ق)، مکاتیب الرسول صلی الله علیه وآله، قم: دارالحدیث، چاپ اول، ج ۳: صص ۵۶-۵۷

۴- فیرحی، داود (۱۳۹۱)، تاریخ تحول دولت در اسلام، قم: انتشارات دانشگاه مفید، چاپ پنجم، صص ۱۱۸-۱۲۸

محوریت امام، منسجم و یکپارچه می‌شود. در واقع امت بدون امام، امت تمام نیست و اساس تعریف امت به مقوله امامت و رهبری گره می‌خورد؛ به نحوی که بدون درک صحیح امامت و تجلی آن، امت شکل نمی‌گیرد.

نکته حائز اهمیت آنکه پذیرش دیدگاه انتصاب یا انتخاب در تبیین مشروعیت ولایت امام عادل به عنوان محور امت، در این نتیجه‌گیری بی‌تأثیر است. چرا که سخن در مقام تحقق امت با تبعیت از امام است و نه ثبوت حق اطاعت برای امام و تکلیف امت به تبعیت. کوتاه آنکه امت حقیقی با پیروی از امام هویدا می‌شود و عینیت می‌یابد؛ خواه مشروعیت اعمال ولایت امام را، الهی بدانیم یا الهی - مردمی.

۵-۱. عناصر تشکیل‌دهنده امت

امت با چند شاخص و معیار از مفاهیم نزدیک و رقیب همچون قوم و ملت تمیز داده می‌شود.^(۱)

۱- امت، گروهی از مردم و آن جامعه‌ای هستند که به واسطه پیوندهای اعتقادی در کنار یکدیگر قرار دارند و سایر علقه‌های اجتماعی همچون خویشاوندی، منافع مادی و وحدت جغرافیا در این پیوند بی‌تأثیر است.

۲- قوام امت به عقیده مشترک است و آن عبارت است از باور به مکتب جاودان و حیات‌بخش اسلام متبلور شده در منابع شریعت، که تأمین‌کننده همزمان سعادت دنیا و آخرت و تضمین‌کننده منافع مادی و معنوی فرد و جامعه انسانی است. باورمندان به این مکتب، هویت تاریخی مشترکی را رقم زده و جامعه‌ای فراتاریخی و فراسرزمینی را تشکیل می‌دهند.

۳- بنیان رابطه آحاد امت با یکدیگر مبتنی بر پیوند برادری^(۲) و وحدت سرنوشت است

۱- سبحانی، مبانی حکومت اسلامی، پیشین، صص ۳۷۶-۳۸۰؛ منتظری نجف‌آبادی، حسینعلی، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامية، قم: نشر تفکر چاپ دوم، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ص ۷۱۷؛ کاظمی، پیشین، صص ۵۶-۷۱ و شریعتی، پیشین، صص ۶۴۲-۶۵۲؛ کعبی، عباس، سلسله جلسات شرح فقهی قانون اساسی (فایل صوتی)، پژوهشکده شورای نگهبان، اسفند ۱۳۹۳، شرح فقهی اصل ۱۱

۲- سوره حجرات آیه ۱۰: «الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِنْ اشْتَكَى شَيْئاً مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ وَ أَرَوَّاحُهُمَا مِنْ رُوحٍ وَاحِدَةٍ وَ إِنْ رُوحَ الْمُؤْمِنِ لَأَشَدُّ انْصِلَالاً بِرُوحِ اللَّهِ مِنْ انْصِلَالِ شَعَاعِ الشَّمْسِ بِهَا» کلینی، پیشین، ج ۲: ص ۱۶۶

و آموزه‌های متعدد اسلامی همچون نماز عید، جمعه و جماعات، حج و زکات و امر به معروف و نهی از منکر و توصیه‌های اکید به تعاون و مواسات^(۱) بر لزوم تحکیم این روابط تأکید می‌ورزد.^(۲) امت جامعه‌ای ایمانی است که به سوی الله و اهداف الهی در حرکت است.^(۳) البته امت، با توجه به مبانی جهان‌شمول اعتقادی خود اهداف خود را منحصر به رستگاری مومنان نکرده بلکه تلاش می‌کند تا کل بشریت راه سعادت را بیابد و بپیماید.

۴- امامت، رکن تکوین امت و شرط لازم برای تحقق امت است. امامت، محور امت و امام جوشیده از بطن امت است و در عمل و التزام به مکتب، فرد اعلای امت است. بدون امام، امت ناتمام است. لذا اطاعت سیاسی از امام یکی از عناصر تشکیل دهنده امت است.^(۴) در حقیقت، امت حقیقی بر محور امام محقق می‌شود و تا امت به معنای عام که واجد سه مشخصه پیشین هستند، بر مدار اطاعت از امام نظام و سامان نیابند، «امت حقیقی» شکل نگرفته است.

۱-۶. طیف جمعیتی امت

جامعه اسلامی اصالتاً از افرادی به وجود می‌آید که با اختیار و انتخاب خود اسلام را پذیرفته باشند و مخصوصاً ملتزم به قوانین اجتماعی و قضایی و سیاسی آن باشند و سرزمینی که چنین جامعه‌ای در آن زندگی می‌کنند کشور اسلامی و دارالاسلام^(۵) نامیده

۱- امام صادق علیه‌السلام: «يَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْإِجْتِهَادُ فِي التَّوَاصُلِ وَ التَّعَاوُنُ عَلَى التَّعَاطُفِ وَ الْمُوَسَّاتَةِ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ وَ تَعَاطُفٌ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ حَتَّى تَكُونُوا كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ مُتَرَاحِمِينَ مُغْتَنِينَ لِمَا غَابَ عَنْكُمْ مِنْ أَمْرِهِمْ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ مَعْنَى الْأَنْصَارِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ» همان، ج: ۲، ص: ۱۷۵

۲- قال النبي صلى الله عليه وآله: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَنَادِي يَا لِّلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يَجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» همان، ج: ۲، ص: ۱۶۴؛ «الْمُسْلِمُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ وَ يَسْعَى بِدِمَائِهِمْ أَدْنَاهُمْ» همان، ج: ۱، ص: ۴۰۳

۳- «إلى الله المصير» سوره آل عمران آیه ۲۸

۴- دعوت انبیا در تقوا و اطاعت خلاصه می‌شود. در سوره شعرا (آیات ۱۰۵-۱۰۸ و ۱۲۳-۱۲۶ و ۱۶۰-۱۶۳)، قرآن دعوت انبیا علیهم‌السلام را در دو کلمه خلاصه می‌کند: تقوای خدا و اطاعت از انبیا. مقصود از تقوا، حفظ حدود الهی است، و مقصود از اطاعت، اطاعت سیاسی انبیا در همه شئون مربوط به ولایت است: مجموعه این آیات گواه براین مطلب است که اطاعت سیاسی یکی از عناصر اساسی تشکیل دهنده امت است. آصفی، محمد مهدی، «وحدت و تعدد در ولایت سیاسی»، فقه اهل

بیت، پاییز - زمستان ۱۳۷۸، شماره ۲۰ و ۱۹، صص ۱۹۸-۱۹۹

۵- برای مشاهده تعاریف گوناگون از دارالاسلام به عنوان نمونه نک: کلانتری، علی اکبر (۱۳۷۵)،

می‌شود ولی در مرتبه بعد، بعضی از غیرمسلمانان با عقد قرارداد خاصی می‌توانند تابعیت کشور اسلامی را بپذیرند و در کنار مسلمانان زندگی امن و مسالمت‌آمیزی داشته باشند.^(۱) البته، همانطور که همه افراد مقیم در دارالاسلام، لزوماً مسلمان نیستند، همه آحاد امت ضرورتاً در دارالاسلام یا سرزمین‌های اسلامی، حضور ندارند. در درون محدوده سرزمین‌های اسلامی، علاوه بر مسلمانان که عناصر اصلی تشکیل‌دهنده جامعه هستند، افراد دیگری با عقاید متفاوت با مسلمانان زیست می‌کنند و یا اقامت دارند. مسلمانان به عنوان طیف اصلی و عمده جامعه اسلامی، جمعیتی هستند که رابطهٔ اخوت اسلامی (حجرات: ۱۰) میان آنها برقرار است و در صلح کامل به سر می‌برند و تفرقه در میان‌شان نامشروع بوده و همگی معتقد به آئین اسلام می‌باشند. گروه‌هایی از جمعیت انسانی نیز هستند که پس از گرویدن به اسلام، همچنان در میان کفار به زندگی خود ادامه می‌دهند و از سرزمین‌های آنان بیرون نمی‌آیند. قرآن (نساء: ۹۷) از این گروه به مستضعفین تعبیر می‌کند.^(۲) نظر به پیوند عقیدتی این عده با مسلمانان، این افراد نیز در شمار امت اسلامی قرار می‌گیرند. دسته دیگر که در زمره امت اسلامی قرار دارند، باغیان یا اهل بغی هستند؛ یعنی افراد و یا گروهی از مسلمین که علیه امام و حکومت اسلامی شورش می‌کنند و درصدد برانداختن نظام اسلامی برمی‌آیند.^(۳) هرچند باغی در باطن در زمرهٔ کفار است، لیکن برحسب ظاهر، احکام جاری بر مسلمانان، مانند جواز خوردن ذبیحهٔ ایشان، ازدواج با آنان، حرمت اموال و ناموسشان، بر او جاری است.^(۴) اما مرتدان (ملی و فطری) یعنی کسانی که از اسلام خارج شده و کفر اختیار

→

دارالاسلام و دارالکفر و آثار ویژه آن دو، فقه، شماره ۱۰، صص ۳۵-۴۷

۱ - مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۵)، ولایت فقیه در خارج از مرزها، حکومت اسلامی، سال اول، شماره اول، ص ۸۴

۲ - عمیدزنجانی، پیشین، ج ۳: صص ۳۲۴-۳۲۸

۳ - نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ج ۲۱: ۳۲۳ و حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (علامه حلی)، تذکره الفقهاء، دوره ۱۴ جلدی، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول: ۱۴۱۴ق، ج ۹: صص ۴۰۷-۴۰۶

۴ - نجفی، پیشین، ج ۲۱: صص ۳۳۷-۳۳۸

نموده‌اند،^(۱) اگرچه به اختیار و انتخاب خود از شمار امت اسلامی بیرون می‌روند، ولی همچنان جزء اتباع دولت اسلامی باقی می‌مانند.^(۲) در حقیقت این عده به دلیل انقطاع پیوند اعتقادی، از جرگه مسلمانان خارج می‌شوند ولی در صورتی که در قلمرو دولت اسلامی ساکن باشند، در شمار تابعان آن قرار خواهند داشت.

نکته مهم در خصوص رابطه میان حاکمیت و جمعیت آن است که میان امت اسلامی و دولت اسلامی به لحاظ مفهومی و وجود خارجی تفاوت وجود دارد. آنچه کاملاً جنبه فرامرزی و فراسرزمینی و حتی فراتاریخی دارد، مفهوم امت اسلامی است و نه مفهوم دولت اسلامی؛ چرا که دولت اسلامی خواه ناخواه محدود به قلمرو جغرافیایی خاصی به نام دارالاسلام می‌باشد.^(۳) لذا کفار (اهل کتاب و غیر آن) و مستأمن‌ها^(۴) در صورت سکونت و حضور در قلمرو دارالاسلام، اگرچه در شمار

۱- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۵ق)، تحریرالوسیله، مترجم: علی اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ ۲۱، ج ۴: ص ۱۱

۲- دانش‌پژوه، مصطفی (۱۳۹۲)، اسلام و حقوق بین الملل خصوصی؛ تابعیت و وضعیت بیگانگان، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم، صص ۱۶۷-۱۶۹

۳- همان، ص ۸۸

۴- کافران دو گروه هستند: اهل کتاب و غیر اهل کتاب. غیر اهل کتاب، راهی جز پذیرش اسلام ندارند، (علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول: ۱۴۱۱ق، ص ۸۸) اما اهل کتاب (یهودیان، مسیحیان و زردشتیان) سه راه در پیش دارند: پذیرش اسلام، جنگ، و التزام به شرایط ذمه. به کسانی که راه سوم را انتخاب کنند، اهل ذمه یا ذمی گفته می‌شود، و دولت اسلامی در قبال تعهد ایشان به شرایط ذمه، متعهد است از آنان به عنوان تبعه حمایت کند و هیچ مسلمانی حق تعرض به آنان را ندارد. (حسینی روحانی قمی، سید صادق، فقه الصادق علیه السلام (شرح استدلالی بر تبصرة المتعلمین علامه حلی)، قم: دارالکتاب- مدرسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول: ۱۴۱۲ق، ج ۱۳: صص ۵۰-۵۶) در مورد کیفیت انعقاد قرارداد ذمه و شرایط ذمه نک: حلی، پیشین: ص ۸۸ و نجفی، پیشین، ج ۲۱: صص ۲۶۵-۲۷۵؛ حسینی روحانی، پیشین، ج ۱۳: ص ۵۷.

مستأمن به طرف قرارداد امان گفته می‌شود (علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۹: ۸۵-۱۱۸؛ عمیدزنجانی، فقه سیاسی، ج ۳: صص ۲۱۸-۲۲۰) امان یا ذمام، قراردادی ویژه میان مسلمان و کافر حربی است. (هاشمی شاهرودی و دیگران، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ۶۵۲) امان دادن، تأمین جانی، مالی یا ناموسی- بر حسب قرارداد- از سوی مسلمان به کافر حربی است. (سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام، قم: مؤسسه المنار، چاپ چهارم: ۱۴۱۳ق، ج ۱۵: ص ۱۳۱). مستأمن آن کس یا کافر

اعضای امت قرار نمی‌گیرند اما، تحت شرایطی، جزء اتباع دولت اسلامی، که در دارالاسلام تشکیل شده، خواهند بود.

نکته مهم توجه به تفکیک میان «عضویت در امت اسلامی» و «عضویت در جامعه اسلامی» و در پی آن «تابع دولت اسلامی بودن» است. عضویت در امت اسلامی در گرو اعتقاد به اسلام و ایجاد علقه ایمانی میان اعضای آن است و عناصر غیرملترم به مبانی ایمانی در شمار امت قرار نمی‌گیرند. اما عضویت در جامعه اسلامی، هم در فرض اشتراک عقیدتی یا ایمان و هم در صورت انعقاد پیمان امکان‌پذیر است. توده‌های امت اسلامی به صرف ایمان تابع دولت اسلامی می‌شوند و اهل کتاب با انعقاد قرارداد ذمه به تابعیت دولت اسلامی درآمده و عضوی از جامعه سیاسی اسلام می‌گردند. البته سنگ بنای دولت اسلامی بر سازماندهی سیاسی امت مسلمان است که اتباع اصلی و شهروندان دولت اسلامی محسوب می‌شوند. اما جمعیت جامعه اسلامی منحصر به مسلمانان نیست و شامل اتباع اکتسابی که از طریق پیمان ذمه به عضویت جامعه اسلامی نائل می‌گردند نیز می‌شود.^(۱)

بنابراین طیف امت اسلامی شامل مسلمانان ساکن در درون دارالاسلام، مسلمانان ساکن در خارج از دارالاسلام (مستضعفان) و باغیان می‌شود. اهل ذمه و مرتدان تابعان دولت اسلامی محسوب می‌شوند. مستأمن‌ها و سایر کفار نیز، بیگانه و بیرون از امت اسلامی محسوب می‌شوند.

۲- مفهوم و طیف امت در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

در منابع نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی و از جمله در مقدمه و برخی از اصول قانون اساسی، واژه «امت» به کار رفته است. اما به نظر می‌رسد در همه کاربردها، به یک معنا نباشد. البته پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی که توسط

→

حربی است که با هر دین و تابعیتی با انگیزه‌ای مشروع برای مدتی موقت و بدون قصد توطن و اقامت دائم با اجازه و تضمین دولت اسلامی یا یکی از شهروندان آن وارد دارالاسلام می‌گردد. (دانش‌پژوه، پیشین، ص ۲۳۲) برای ملاحظه شرایط و کیفیت عقد امان نک: نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱: صص ۹۴-۱۰۰.

۱ - دانش‌پژوه، پیشین، صص ۹۰-۹۵

دولت موقت تهیه و به مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ارائه شده بود، خالی از واژگان امت و امامت بود و اساساً جایگاهی برای نهاد امامت در قانون اساسی پیش‌بینی نکرده بود^(۱) و کلیدواژه امت، با توجه به دغدغه‌های مکتبی نمایندگان مجلس بررسی نهایی و در پی اساسی‌سازی نهاد امامت در قانون اساسی (اصل ۵ و اصول مندرج در فصل هشتم) و آرمان تحقق امت اسلامی (اصل ۱۱) از سوی مجلس یادشده، وارد منظومه قانون اساسی شد.

در این قسمت با بررسی تحلیلی اسناد حقوق اساسی سعی در رمزگشایی از معنای این دانش‌واژه خواهیم نمود.^(۲) در این راستا به منظومه حقوق اساسی جمهوری اسلامی که به‌جد متأثر از گفتمان اندیشه اسلامی است نظر افکنده و با توجه به چارچوبی که در قسمت نخست ترسیم شده، در منابع گوناگون این نظام حقوق اساسی کنکاش می‌کنیم تا روشن شود «امت» در حقوق اساسی کنونی ایران به چه معنایی به کار رفته و شامل چه طیفی می‌شود و با مفهوم و طیف امت در اندیشه اسلامی چه نسبتی دارد.

۲-۱. امت در اندیشه قانونگذار اساسی

در مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی (۱۳۵۸) به عنوان تهیه و تدوین‌کننده قانون اساسی، از واژه «امت» در مواضع گوناگون استفاده شده است که قرینه مناسبی برای یافتن معنای حقیقی این کلیدواژه در فضای تصویب قانون اساسی است. گاه واژه امت به معنای «ملت ایران» که اکثریت قاطع آنها مسلمان، و پیرو رهبری دینی یعنی امام خمینی (ره) بوده‌اند آمده است.^(۳) به عنوان نمونه یکی از نمایندگان مجلس بررسی نهایی در دفاع از اصل ۶^(۴) و در مقام تشریح مشارکت مردم در تعیین سرنوشت

۱- برای مشاهده متن کامل پیش‌نویس قانون اساسی نک: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، (۱۳۶۴)، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ج ۴: صص ۵-۲۱

۲- روشن است که قانون اساسی جمهوری اسلامی در مقام تنظیم رابطه سیاسی میان ملت ایران و طبقه حاکم است؛ اگرچه با توجه به مبانی عقیدتی خود، دارای مسئولیت‌هایی ناظر به سایر ملت‌ها نیز می‌باشد.

۳- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، پیشین ۱۳۶۴، ج ۱: صص ۵۴-۸۰-۳۶۲-۳۶۹-۳۷۰-۵۰۹-۵۵۵-

و ج ۲: صص ۸۳۷-۱۰۸۶-۱۱۲۲-۱۱۲۳-۱۱۴۷-۱۱۸۳ و ج ۳: صص ۱۱۴۷-۱۵۲۹-۱۶۹۱-۱۷۲۶-۱۸۱۹

۴- «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظائر اینها، یا از راه همه‌پرسی در

و پشتوانه مردمی حکومت و اتکای اداره امور عمومی به آرای ملت ایران، در تعریف امت چنین می‌گوید: «امت همین حقیقت را نشان می‌دهد، یک جامعه‌ای است که خودش یک راهی را انتخاب کرده، حرکت کرده و در آن راه تلاش هم دارد و امام در این حرکت‌ها رهنمونش می‌شود و راهنمایی‌اش می‌کند و همه در این حرکت و مسیر همگامی دارند».^(۱) این بیان به‌خوبی یادآور لزوم پیوند میان امت و امام است و این دغدغه را نشان می‌دهد که حرکت امت، نیازمند راهبری امام است. در موردی دیگر، به هنگام تصویب بند ۵ از اصل ۱۱۰^(۲)، یکی از نمایندگان مجلس بررسی نهایی، با مترادف به‌کار بردن واژگان امت و ملت، مجلس شورای اسلامی را نماینده امت برای ارجاع شکایت به دیوان عالی کشور برای رسیدگی به تخلفات اعلام می‌کند.

در مشروح مذاکرات مربوط به اصل ۱۰۷ قانون اساسی^(۳) و در بحث گستره ولایت امام و رهبر، نکته‌ای قابل توجه در مورد طیف امت وجود دارد. نائب‌رئیس مجلس در پاسخ به پرسش نماینده اقلیت دینی^(۴) آن مجلس مبنی بر رابطه میان ولایت امر و امامت امت با اقلیت‌های دینی کشور و اینکه آیا رهبری، تمام تابعان جمهوری اسلامی را در

→

مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.»

- ۱- موسوی اصفهانی، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، پیشین، ج ۱: ص ۳۶۲
- ۲- «عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور، پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رأی مجلس شورای ملی به عدم کفایت سیاسی او»
- ۳- پیش‌نویس اصل ۱۰۷ قانون اساسی با عنوان اصل ۸۴ و با این عبارات در جلسه ۳۹ مجلس بررسی نهایی در دستور کار قرار گرفت: «اصل ۸۴- به منظور تحقق بخشیدن به اصل ولایت امر و امامت امت موضوع اصل ۵ همین قانون که ضامن اسلامی بودن نظام اجتماعی ایران و حاکمیت ملت بر سرنوشت خویش است و به دوگانگی میان حکومت شرعی و حکومت عرفی پایان می‌دهد، رهبر یا شورای رهبری در اداره امور کشور مسئولیت‌هایی را که در اصول بعد تعیین می‌شود بر عهده می‌گیرد.»
- ۴- «دانش‌راد- سؤالی دارم و آن این است اینجا صحبت از ولایت امر و امامت امت شده است. ولایت امر روشن است کلمه امت را تا دو سه ساعت پیش من فکر می‌کردم که یعنی پیروان دین اسلام. توضیحی آقایان علما به من دادند که نه این‌طور نیست امت یعنی ملت و در بر می‌گیرد تمام افراد کشور را که تابع جمهوری اسلامی هستند. اگر این معنی صحیح است حرفی ندارم ولی اگر امت تنها پیروان دین اسلام را دربرمی‌گیرد در این صورت تکلیف اقلیت‌های دینی دیگر چه می‌شود؟ آیا آنها امامتی برایشان هست و با توجه به این‌که آنها بپذیرند این امامت را، آیا این امامت برای آنها هست یا نه؟ در حال حاضر هست در آینده چه می‌شود؟» اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، ج ۲: ص ۱۰۶۳

برمی‌گیرد یا خیر، امامت امت را به معنای «رهبری ملت» دانسته و همه کسانی را که در زمره ملت ایران به شمار می‌روند مشمول این رهبری تلقی نمودند.^(۱) این پرسش و پاسخ به روشنی حکایت از مفهوم متفاوتی از واژه امت دارد. در این کاربرد، امت مشتمل بر اقلیت‌های دینی که در تابعیت جمهوری اسلامی هستند نیز می‌شود و این اقلیت‌ها در کنار مسلمانان، طیف امت را شکل می‌دهند که همگی تحت هدایت امام هستند.

در بعضی کاربردها نیز با الهام از اندیشه دینی، که در بخش نخست تشریح شد، «امت واحده» یعنی «همه مسلمانان فارغ از مرزهای جغرافیایی و سایر عوامل تمایزبخش» اراده شده است.^(۲) مشروح مذاکرات مربوط به اصول ۱۱ و ۱۵۲ قانون اساسی^(۳) در این مجلس به خوبی نشان از آن دارد که نمایندگان این مجلس، مفهوم امت را به همان معنایی که در ادبیات دینی به کار رفته، یعنی همه مسلمانان جهان، مدنظر داشته‌اند.

۲-۲. امت در مقدمه قانون اساسی

واژه امت جلوه روشنی در مقدمه قانون اساسی دارد. مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی، ضمن «تشریح فرایند تاریخی نهضت و تحقق انقلاب اسلامی» و با تبیین «شاخص‌های بنیادین نظام سیاسی نوین» و ارائه گفتمانی نو از مفاهیم متعدد سیاسی، ترسیم‌کننده نمای کلی نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی است که در اصول قانون اساسی بازتاب یافته است. مقدمه قانون اساسی متنی صرفاً شعاری و یا آرمانی نیست. دست‌کم یکی از منابع حقوق اساسی است و بیانگر زمینه و شرایطی است که در آن فضا باید قانون اساسی را فهمید. مقدمه قانون اساسی بستر تکوین آن

۱- «نایب رئیس - سؤال‌شان این است که وقتی گفته می‌شود «امامت امت» مفهومی همان رهبری ملت است و همه کسانی که جزو ملت ایران شمرده می‌شوند مشمول این رهبری هستند که پاسخ ایشان این است، بلی. دکتر آیت - بلی و حتی از این هم وسیع‌تر یعنی رهبری تمام ملت به عهده اوست چنان‌که یک رئیس‌جمهور در یک کشور رئیس‌جمهور تمام کشور است چه آنهایی که به او رأی داده‌اند و چه آنهایی که به او رأی نداده‌اند و اصولاً رهبری امت که ما می‌گوییم یک مقداری از این وسیع‌تر است یعنی مملکت ایران را بالفعل فرا می‌گیرد و سایر جاها را از جهاتی بالقوه زیر نظر می‌گیرد. (منتظری - حقوق آنها را هم رعایت می‌کند). بلی حقوق آنها را هم رعایت خواهد کرد.» اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، پیشین، ج ۲: ص ۱۰۹۴

۲- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، پیشین، ج ۱: صص ۵۰-۷۶-۷۸-۹۰-۹۳-۵۵۶ و ج ۲: صص ۸۷۷-۱۰۶۸-۱۱۲۷-۱۲۲۲-۱۳۷۵ و ج ۳: صص ۱۴۰۳-۱۴۳۱-۱۴۳۷ تا ۱۴۳۷

۳- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، پیشین، ج ۱: صص ۴۴۹-۴۵۴ و ج ۳: صص ۱۴۳۱-۱۴۳۸

نظام سیاسی است که در قانون اساسی به نظم کشیده شده است. از این رو منبع شایسته‌ای است که می‌تواند یاری‌گر مفسر قانون اساسی برای نیل به برداشت مطلوب از منظومه قانون اساسی و همچنین روشن‌گر کلیدواژگان مندرج در قانون اساسی باشد.

در مقدمه قانون اساسی چندین بار از واژه «امت» استفاده شده است. فراز نخست مقدمه، قانون اساسی مبتنی بر اصول و ضوابط اسلامی را ثمره مبارزه «مردم مسلمان ایران» و انعکاس خواست قلبی «امت اسلامی» می‌نامد که «ملت» نیل به این خواسته را مطالبه نموده است. ذیل عنوان «طلیعه نهضت»، در تشریح فرآیند نهضت اسلامی آمده است که اعتراض امام خمینی به انقلاب سفید، عامل حرکت یکپارچه «ملت» گشت و در پی آن انقلاب عظیم «امت اسلامی» در خرداد ۱۳۴۲، مرکزیت «امام» را به عنوان رهبری اسلامی تثبیت نمود و علی‌رغم تبعید ایشان از ایران، پیوند مستحکم «امت» با «امام» همچنان استمرار یافت و «ملت مسلمان»، راه خود در مسیر نهضت را ادامه دادند. سپس با اشاره به جنایات رژیم پهلوی نسبت به «ملت مسلمان»، بیانیه‌ها و پیام‌های «امام» عامل گسترش آگاهی و عزم «امت اسلامی» معرفی شده و طرح حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه که از سوی امام ارائه شد، انگیزه منسجمی را در «مردم مسلمان» ایجاد نمود.

ذیل عنوان «شیوه حکومت در اسلام»، پس از ارائه تعریفی از «جامعه سیاسی اسلامی» از دیدگاه اسلام، به مثابه «ملتی هم‌کیش و هم‌فکر» که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی یعنی حرکت به سوی الله بگشاید، با اشاره به محتوای اسلامی انقلاب و تداوم آن در داخل و خارج از کشور و با استناد به آیه ۹۲ سوره انبیا^(۱) چنین گفته شده که قانون اساسی تلاش دارد راه تشکیل «امت واحد جهانی» را هموار کند. ذیل عنوان «قضا در قانون اساسی»، اهمیت مسئله قضا را در پاسداری از حقوق «مردم» در خط حرکت اسلامی و برای پیشگیری از انحرافات موضعی در درون «امت اسلامی» مطرح می‌کند. سرانجام، در فراز پایانی مقدمه، «امت مسلمان» را ملزم به انتخاب مسئولان کارداران و مؤمن نموده و از آنان می‌خواهد با نظارت مستمر، در ساختن «جامعه اسلامی» فعالانه مشارکت جویند.

بنابراین غیر از یک مورد که «امت» بر جامعه مسلمانان در جهان منطبق است، در

۱- «ان هذه امتکم امة واحدة و أنا ربکم فاعبدون»

سایر کاربردها، «امت» به معنای جامعه سیاسی ایران و به تعبیر دیگر «ملت ایران» است که البته خصیصه بارز و ویژگی ممتاز و متمایزکننده این جامعه، «تشکل بر محور مکتب اسلام» و «رهبری دینی» بوده است. در حقیقت، استفاده از تعبیر گوناگونی همچون «مردم مسلمان ایران»، «امت اسلامی»، «ملت مسلمان» یا «ملتی هم‌کیش و هم‌فکر» برای اشاره به ایرانیان مسلمان و انقلابی، همگی دال بر این محور بنیادین است.

۳-۲. امت در اصول قانون اساسی

کلیدواژه «امت» در اصول ۵، ۱۱، ۵۷، ۱۰۹ و ۱۷۷ قانون اساسی ذکر شده است. در اصول ۵، ۵۷ و ۱۷۷ در ترکیب «امامت امت» و برای اشاره به جایگاه ولی فقیه جامع‌الشرایط در جمهوری اسلامی آمده است؛ همان رهبری که به موجب اصل ۱۰۷ توسط خبرگان منتخب مردم ایران^(۱) انتخاب می‌شود و همه مسئولیت‌های ناشی از ولایت امر را عهده‌دار است و در بند دوم اصل ۱۰۹، یکی از صفات او (امام امت یا ولی امر)، عدالت و تقوای لازم برای رهبری «امت اسلام»، منظور شده است. در اصل ۱۱ نیز همه مسلمانان جهان، یک «امت» نامیده شده‌اند.

با توجه به قرینه «در جمهوری اسلامی ایران» در متن اصل ۵ و با عنایت به اینکه امام امت و ولی امر موضوع این اصل، همان رهبری دانسته شده که به موجب اصل ۱۰۷ از سوی خبرگان منتخب «مردم ایران» انتخاب می‌شود و افزون بر آن با توجه به اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصولاً برای جامعه سیاسی ایران (ملت ایران و نسل‌های بعدی آن) تدوین و تصویب شده و به تأیید ملت ایران نیز رسیده است، به نظر می‌رسد مراد از «امت» در این اصل همان «ملت ایران» است که با اکثریت مسلمان و رهبری مکتبی متمایز می‌باشند. اصل ۵۷ که قوای سه‌گانه را ذیل رهبر، به عنوان مرکز ثقل حکومت و به مثابه یک «نهاد مستقر»، در جمهوری اسلامی قرار داده است، قرینه خوبی بر این مدعا است.^(۲) در حقیقت دخیل دانستن عنصر اطاعت

۱- مطابق بند الف ماده ۴ قانون انتخابات و آیین نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری مصوب ۵۹/۷/۱۰ فقهای شورای نگهبان و تصویب نهایی رهبر، یکی از شرایط انتخاب‌کنندگان، داشتن تابعیت ایرانی است.

۲- همچنین در بند ۵ از ماده ۱ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۶۳/۵/۱۷ مجلس شورای اسلامی، در مقام تعریف سوء استفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی مقرر شده است که مراد، عدم رعایت قوانین و مقررات و شرایط در قراردادهایی است که بین دولت و اشخاص حقیقی و

سیاسی در تکوین امت، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که ملت ایران، که اکثریت قاطع آنها مسلمان هستند و بر مدار امامت و رهبری انسجام و شکل یافته‌اند، امت مندرج در اصول یادشده (امت بالفعل) را پدید می‌آورند.

افزون بر این، می‌توان شواهد دیگری دال بر امت به معنای «ملت غالباً مسلمان» یافت. به عنوان نمونه، در حالی که امر به معروف و نهی از منکر، بر مبنای خطابات قرآنی (سوره توبه آیه ۷۱: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ همچنین آیات ۱۰۴ و ۱۱۰ سوره آل عمران)، متوجه مؤمنان به یکدیگر است، این وظیفه در اصل ۸ منحصراً متوجه مسلمانان شمرده نشده و تکلیفی همگانی بر دوش همه مردم، حتی ایرانیان غیرمسلمان، قرار داده شده است. افزون بر این، در مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی در مورد اصل ۸۴، نائب‌رئیس مجلس در مقام تشریح مبنای اصل، بنیاد نمایندگی نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی را مسئولیت یکایک آحاد «امت» نسبت به سرنوشت جمعی بیان کرد.^(۱)

طیف جمعیتی ملت ایران نیز با عنایت به شاخص عقیده و تابعیت در اصول ۱۲، ۱۳ و ۱۴ قانون اساسی رخ نموده است و شهروندان جمهوری اسلامی (امت ایران) به ترتیب به سه دسته مسلمانان، غیرمسلمانان دارای کتاب آسمانی (ایرانیان زرتشتی کلیمی و مسیحی) و سایر غیرمسلمانان (اصل ۱۴) تقسیم شده‌اند.

اما اصل ۱۱ با استناد به آیه ۹۲ سوره انبیا^(۲)، همه مسلمانان را یک «امت» نامیده و «امت» را مشتمل بر همه مسلمانان جهان دانسته است. این «امت»، برگرفته از ادبیات دینی، همان امت واحده و یا جامعه بزرگ مسلمانان است و هر مسلمانی در هر نقطه از جهان عضو آن است. در اصل ۱۰۹ نیز آن سطحی از عدالت و تقوا برای مقام رهبری شرط شده که صلاحیت رهبری «امت اسلام» را داشته باشد. در کنار اصلاحاتی

→

حقوقی منعقد شده و موجب درآمد نامشروع شده باشد و یا اینکه در اثر اعمال نفوذ و روابط، معامله یا قراردادی برخلاف شرع و مصالح مسلم «امت اسلامی» انعقاد یافته باشد.

۱- (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، پیشین، ج ۲: ص ۸۳۷)

۲- بیان شد که برخی مفسران، امت در این آیه را نه منطبق بر مسلمانان، بلکه دال بر کل انسان‌ها دانسته‌اند. البته برخی از اعضای مجلس بررسی نهایی نیز چنین باوری داشتند (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، پیشین، ج ۱: صص ۴۵۲-۴۵۳).

که در این اصل در جریان بازنگری قانون اساسی سال ۱۳۶۸ پدید آمد، «امت اسلام» پس از کلمه رهبری در انتهای این بند افزوده شد؛ هرچند که در مورد مفهوم و مفاد آن توضیحی داده نشد.^(۱) به نظر می‌رسد امت در این اصل به معنای همان واحد جمعیتی اسلامی (معنای عام امت) باشد. در این صورت رهبر جمهوری اسلامی باید این شایستگی اخلاقی را داشته باشد که از عهده رهبری امت بزرگ اسلامی برآید؛ اگرچه در وضعیت کنونی به صورت بالفعل در این جایگاه قرار نگرفته باشد. مسئولیت‌های فراملی نظام امامت نسبت به همه مسلمانان و مستضعفان جهان^(۲) بر این امر صحه می‌گذارد. در حقیقت امت در اصول یادشده (۱۱ و ۱۰۹) همان «امت بالقوه» است که در صورت تحقق وحدت سیاسی (آرمان مندرج در اصل ۱۱) یعنی شکل‌گیری نظام واحد اسلامی در سراسر جهان (بسیط یا فدرال یا نوعی دیگر) بر محور امام واحد، به «امت بالفعل» تبدیل می‌شود.

فرجام

بررسی منابع دینی حکایت از آن دارد که امت در قرآن به معانی گوناگونی به کار رفته و در برخی موارد بر کل جامعه بشری، گاه جامعه اسلامی و در برخی کاربردها به معنای ملت و قوم است و در روایات نیز علاوه بر مومنان به آیین اسلام، گاه بر هر جمعیت و گروه انسانی اطلاق شده است. اما اندیشمندان اسلامی، «امت» را بر جامعه ایمانی اسلام که دایرمدار پیوندهای مشترک اعتقادی است تطبیق داده‌اند.

اما برخی کاربردهای واژه امت در حقوق اساسی ایران معنای متفاوتی را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد واژه «امت» در اصول ۵، ۵۷ و ۱۷۷ قانون اساسی، متناظر و یا دست‌کم بسیار نزدیک به مفهوم «ملت» در ادبیات رایج حقوق اساسی است؛ با این توضیح که محور بنیادین وحدت در این اجتماع سیاسی سازمان‌یافته که آن را از جوامع دیگر متمایز می‌کند، عنصر «ایمان و اعتقاد مذهبی» و «رهبری مکتبی» است. به

۱- در متن پیشنهادی نخستین به جای «رهبری»، «امامت» وجود داشت که برای جلوگیری از برخی ابهامات، به رهبری تبدیل گردید (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۹)، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، ج ۳: صص ۱۳۰۵-۱۳۰۶).

۲- به عنوان نمونه نک به اصول ۱۱، ۱۵۲ و ۱۵۴ و بند ۱۶ از اصل ۳ قانون اساسی

عبارت دیگر افراد جامعه اسلامی با وجود سایر پیوندها و عناصر مشترک طبیعی و تاریخی و مانند آن، بر مبنای عنصر ایمان مذهبی و زعامت دینی گرد هم آمده‌اند. شواهد متعددی از مقدمه قانون اساسی و قرائن پرشماری از مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی مثبت این ادعا است. عبارت «در جمهوری اسلامی ایران» در صدر اصل ۵ نیز مؤیدی بر این برداشت است؛ با این توضیح که مخاطب اصل ۵ آن جامعه سیاسی است که در فضای جمهوری اسلامی ایران تعریف می‌شود و آن جامعه سیاسی که مشمول ولایت و امامت قرار دارد، «امت ایران» به معنای یاشده است. اما برگزیدن این معنا (ملت مسلمان ایران) برای کلیدواژه «امت» در اصل ۵، نافی مسئولیت‌های جهانی و فراملی برآمده از اندیشه مکتبی دولت و جامعه اسلامی نسبت به سایر مسلمانان و مستضعفان و یا به معنای تقدم منافع ملی بر مصالح امت اسلامی نیست؛ بلکه مراد آن است که مردم ایران بر اساس ایمان به مکتب اسلام و به رهبری پیشوایی شیعی، تصمیم گرفته‌اند روابط سیاسی- اجتماعی خود را، چه در داخل مرزها و چه فراتر از آن، در چارچوب مکتب پذیرفته خویش سامان دهند. اما امت در اصول ۱۱ و ۱۰۹ منطبق بر همان معنای مألوف در اندیشه دینی بوده و مشتمل بر همه مسلمانان جهان، و از جمله «مسلمانان ایران»، بدون توجه به محل اقامت، نژاد، زبان، قومیت و سایر عوارض است.

البته چنانچه شاخص تحقق اطاعت سیاسی از امام را از عناصر مولفه شکل‌گیری امت بدانیم، آنگونه که برخی اندیشمندان بر آن تأکید داشتند، امت مندرج در اصل ۱۱، امت بالقوه خواهد بود که با تحقق نظام امامت واحد جهانی، امت بالفعل خواهد شد. به‌علاوه توجه به این شاخصه (اطاعت سیاسی از امام)، تلقی امت در اصل ۵ به معنای ملت ایران را بسیار موجه و قابل دفاع می‌سازد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

منابع فارسی

۱. احمدی، ظهیر (۱۳۸۸)، «مفهوم شناسی امت در قرآن و اجتماع»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم (پیم جاویدان)، سال اول شماره دوم، ۴۷-۶۸
۲. آصفی، محمدمهدی (۱۳۷۸)، وحدت و تعدد در ولایت سیاسی، فقه اهل بیت «پاییز - زمستان ۱۳۷۸ - شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۱۸۲-۲۱۰
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، ولایت فقیه ولایت فقاقت و عدالت، قم: اسرا، چاپ ششم
۴. جوان آراسته، حسین، امت و ملت نگاهی دوباره حکومت اسلامی، سال پنجم، تابستان ۱۳۷۹ ش دوم (پیاپی ۱۶) صص ۱۵۸-۱۷۳
۵. حسینی بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۰)، مبانی نظری قانون اساسی، تهران: بقیه، چاپ چهارم
۶. دانش‌پژوه، مصطفی (۱۳۹۲)، اسلام و حقوق بین الملل خصوصی؛ تابعیت و وضعیت بیگانگان، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم
۷. سبحانی، جعفر (۱۳۷۰) مبانی حکومت اسلامی، قم: موسسه علمی و فرهنگی سیدالشهدا
۸. شریعتی، علی (۱۳۸۲)، امت و امامت، در مجموعه آثار ۲۶ (علی)، تهران: نشر آمو
۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم: ۱۳۷۴
۱۰. عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۴۲۱ق)، فقه سیاسی، تهران: امیرکبیر، ج ۲ و ۳
۱۱. فیرحی، داود (۱۳۹۱)، تاریخ تحول دولت در اسلام، قم: انتشارات دانشگاه مفید، چاپ پنجم
۱۲. قاضی شریعت‌پناهی، سیدابوالفضل (۱۳۸۳)، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: میزان، چاپ پانزدهم
۱۳. قاضی شریعت‌پناهی، سیدابوالفضل (۱۳۸۳)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: میزان، چاپ دوازدهم
۱۴. کلاتری، علی‌اکبر (۱۳۷۵)، دارالاسلام و دارالکفر و آثار ویژه آن دو، فقه، شماره ۱۰، ۳۲-۱۱۷
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران: کتاب‌فروشی علمیه اسلامی، چاپ اول: ۱۳۶۹
۱۶. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، مترجم حمیدرضا شیخی، قم: دارالحديث، ۱۳۸۹
۱۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۵)، ولایت فقیه در خارج از مرزها، حکومت اسلامی، سال اول، شماره اول، ۸۱-۹۵

۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، مجموعه آثار، تهران: صدرا، ج ۳ و ۱۴
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ اول
۲۰. موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۴۲۵ق)، تحریر الوسیلة، مترجم: علی اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ ۲۱، ج ۴
۲۱. موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۹)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم
۲۲. هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران (۱۴۲۶ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول
۲۳. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۲)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول و مبانی کلی نظام، تهران: میزان، چاپ پنجم
۲۴. هدایت‌نیانگنجی، فرج الله (۱۳۸۲)، اندیشه‌های حقوقی شهید بهشتی، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول

منابع عربی

۱. ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ج ۱۰
۲. ابن ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین (۱۴۰۵ق)، عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، قم: دار سیدالشهداء للنشر، چاپ اول
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان، چاپ اول
۵. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۴۰۹ق)، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، قم: جامعه مدرسین، ج ۲، چاپ اول
۶. احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ق)، مکاتیب الرسول صلی الله علیه وآله، قم: دارالحديث، چاپ اول، ج ۳
۷. اراکی، محسن (۱۴۲۵ق)، نظریه حکم فی الإسلام، قم: مجمع اندیشه اسلامی، چاپ اول
۸. بغدادی، عبدالقاهر (۱۴۰۸ق)، الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجية منهم، بیروت: دارالجليل - دار الآفاق
۹. تغلیسی، جیش بن ابراهیم (بی‌تا)، وجوه القرآن، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۱
۱۰. حسینی روحانی قمی، سید صادق (۱۴۱۲ق)، فقه الصادق علیه السلام (شرح استدلالی بر تبصرة

- المتعلمين علامه حلی)، قم: دارالکتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول
۱۱. حسینی خامنه‌ای، سید محمد (۱۴۲۳ق)، الأبعاد الدولية للحج اطروحة جديدة على ضوء الحقوق والقانون، القسم الاول، مترجم: خالد الغفوري، فقه أهل البيت عليهم السلام (بالعربية)، سال هفتم شماره ۲۸
 ۱۲. حلی، حسن بن يوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۱ق)، تبصرة المتعلمين في أحكام الدين، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، چاپ اول
 ۱۳. حلی، حسن بن يوسف بن مطهر اسدی (علامه حلی)، تذكرة الفقهاء، دوره ۱۴ جلدی، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول: ۱۴۱۴ق، ج ۹
 ۱۴. حمیری، نشوان بن سعید، (بی تا) شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم، دمشق: دارالفکر، چاپ اول، ج ۱
 ۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان - سوریه: دارالعلم - الدار الشامیة، چاپ اول: ۱۴۱۲ق
 ۱۶. سبزواری، سید عبدالأعلى (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحكام في بيان الحلال و الحرام، قم: مؤسسه المنار، چاپ چهارم
 ۱۷. سعدی، ابوجیب، قاموس الفقهي لغة و اصطلاحا، دمشق: دارالفکر، چاپ دوم: ۱۴۰۸ق
 ۱۸. سمیع دغیم، (۱۹۹۸م) موسوعة مصطلحات علم الكلام الإسلامي، بیروت: مكتبة لبنان ناشرون، چاپ اول، ج ۱
 ۱۹. صاحب بن عباد و اسماعیل بن عباد، کافی الکفاة، المحيط في اللغة، بیروت: عالم الكتاب، چاپ اول: ۱۴۱۴ق، ج ۱۰
 ۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران: اسلامیه، چاپ سوم
 ۲۱. عاملی، محمد بن حسن شیخ حر (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول
 ۲۲. عاملی، یاسین عیسی، الاصطلاحات الفقهيّة في الرسائل العملية، بیروت: دارالبلاغه للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ اول: ۱۴۱۳ق
 ۲۳. عبدالباقی، محمد فؤاد (۱۳۹۱)، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، قم: نوید اسلام، چاپ دهم
 ۲۴. عیاشی محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). کتاب التفسیر، تحقیق: سید هاشم رسولی محلات، تهران: چاپخانه علمیه، ج ۱
 ۲۵. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ ششم: ۱۴۱۲ق،
 ۲۶. قضاعی، محمد بن سلامه (۱۳۶۱)، شرح فارسی شهاب الأخبار، مصحح: جلال الدین

- حسینی أرموی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم
۲۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، چاپ دوم
۲۹. مهنا، عبدالله علی (بی تا)، لساناللسان، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ج ۱
۳۰. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم
۳۱. واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سیدمحمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ج ۱۳
۳۲. ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق)، مجموعه ورام (تنبيه الخواطر) قم: مکتبه فقیه، چاپ اول، ج ۱ و ۲

اسناد و قوانین

۱. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۹)، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم ج ۳
۲. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، (۱۳۶۴)، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱ و ۲ و ۳ و ۴، چاپ اول
۳. روزنامه رسمی شماره ۱۰۱۷۰ مورخ ۵۸/۱۱/۱
۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات ۱۳۶۸
۵. قانون انتخابات و آیین نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری مصوب ۵۹/۷/۱۰ فقهای شورای نگهبان و تصویب نهایی رهبر
۶. قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۶۳/۵/۱۷ مجلس شورای اسلامی
۷. مرکز تحقیقات شورای نگهبان (۱۳۸۱)، مجموعه نظریات شورای نگهبان (تفسیری و مشورتی در خصوص اصول قانون اساسی)، چاپ اول

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایفا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir